

پساتو

مجموعه شعر: علی کریمان



انتشارات اقلیما

ناشر تخصصی ادبیات



انتشارات اقلیما

ناشر تخصصی ادبیات

شعر - ۶۵

پساتو

مجموعه شعر: علی کریمان

ناشر: انتشارات اقلیما | طراح جلد: ژیللا محمدشاهی | صفحه: ۱۱۰ | قیمت: ۸۵۰۰ تومان
شابک: ۳-۳۳-۷۴۲۶-۶۰۰-۹۷۸ | چاپ: اول/۱۳۹۶ | تیراژ: ۱۱۰۰ | قیمت: ۸۵۰۰ تومان
لیتوگرافی و چاپ: کریمی | دفتر نشر اقلیما: تهران، صندوق پستی ۸۹۹-۱۴۶۶۵
تلفن: ۰۹۳۶۰۴۱۶۲۶۰ :: ۰۲۱-۸۸۰۹۰۱۷۳

www.eqlima.com :: info@eqlima.com

سرشناسه: کریمان، علی، ۱۳۶۴ | عنوان و نام پدیدآور: پساتو (مجموعه شعر) - علی کریمان
مشخصات نشر: تهران: اقلیما، ۱۳۹۶ | مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: ۱۴/۵ = ۲۱/۵ س م
شابک: ۳-۳۳-۷۴۲۶-۶۰۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیا | موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۵۱۳۹۵/۵۱۳۹۷/۸۶۷/۳۵۸/۱۳۸۱/۶۴ | شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۰۳۲۸۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هرگونه استفاده از مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.



eqlimapub



eqlimapub



eqlimapub



eqlimapub



سخته دیجیتال | ایلکیشن علقه



- | با نگاهت غزل دگرگون شد، روح اشعار را عوض کردی | ۸
 | باران رحمت است که می بارد، با قوم تو غدیر چه خواهد کرد؟ | ۱۰
 | باز می گویی بخوان شعر از کتابت بیشتر | ۱۲
 | با غم ولی بدون ثمر ... صبر می کنی | ۱۴
 | فطره خون که ریخت، بر آن پا گذاشتیم | ۱۶
 | چراغ این که دلم روشن است خرسندم | ۱۸
 | بگو به باغ که از بهار جان دارد | ۲۰
 | تا به کی در دست غاصله ها، پاسخ عشق آتشین باشد؟ | ۲۲
 | تقدیر من، اید پند من بوده است، از ابتدا تا انتها تنها | ۲۴
 | جابه جا شک بود و بس، شک در یقین پیدا نکردم | ۲۶
 | چشمان مرموزش، لیکن که گاهش | ۲۸
 | چه شد که با تو به ناگاه هم ندیدم شاهام | ۳۰
 | چه فکر کرده ای؟ دریاست، در فجان نمی آید | ۳۲
 | حمله های موج دیدم، لشکرت آمد به یادم | ۳۴
 | دائم به حال پناه پا ... دست خودم نیست | ۳۶
 | در این ماتم سرا کی سهم لبها خنده خواهد شد؟ | ۳۸
 | ایاس است آنچه بر دل انسان نشسته است | ۴۰
 | سلام ای گل! بهاری نو برای ما بیار اینجا | ۴۲

دوباره چیست که از صبح بر لبان من است؟ | ۴۴ |
دیگر به خانه راه ندارد عیدها | ۴۶ |
روزی آخر به تنم دست تو جان خواهد داد | ۴۸ |
رمین از خار پر شد، تا کجا از یاسمن گفتن؟ | ۵۰ |
سال‌ها در حیات ما که نبود، دست کم در عزای ما باشد | ۵۲ |
ف تا بهای؟ این دفعه هم نزدت غم آوردم | ۵۴ |
یادآور عوال نزارم، چه بگویم؟ | ۵۶ |
عجب نیست که جز به سختی نمی‌رسد بر لبم دعایی | ۵۸ |
گرفتی دست ما، «یا للعجب» داری | ۶۰ |
گفت: «از بوسه و اغوش کدامش باشد؟» | ۶۲ |
مردابیم و در من هوای خن و مدان نیست | ۶۴ |
من اگر دریاجه، اقیانوس به دراز من | ۶۶ |
می‌ترسم آتش در دلم پایان بگیرد | ۶۸ |
بنا نبود مگر دل فقط برای تو باشد | ۷۰ |
سرایا غرق رویایم در اغوشم که می‌آیی | ۷۲ |
نیل است دل، که با تو فقط باز می‌شود | ۷۴ |
وقت رفتن که شد بغض کردم، بدترین وقت دنیا همین است | ۷۶ |
یک نفر در من است و با اصرار، عصر آدینه می‌زند بیرون | ۷۸ |